فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۰۳-۸۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۴

جایگاه حقوق بشر دوستانه در اسلام و اسناد بین المللی

علی فقیه حبیبی[۱]
استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۱**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

در عرصه بین الملل هم طی سالیان متمادی معاهدات و اسناد بسیاری در خصوص افراد در گیر جنگ و غیر نظامیان و سایر افرادی که به نوعی با مخاصمات مسلحانه در ارتباط هستند در نظر گرفته شده است. جامعه جهانی با تصویب کنوانسیون‌های بین المللی مانند کنوانسیون، ژنو و لاهه و سایر کنوانسیون‌ها سعی در ایجاد یک اصول اساسی بشر دوستانه در زمان رخدادهای جنگی دارد. این کنوانسیون‌ها، قوانینی هستند که رعایت آنها، اگر چه از وقوع جنگ جلوگیری نمی‌کند، اما دردها و آسیب‌های انسانی را تا حدودی از طرفین مخاصمه می‌کاهد. مقایسه بین حقوق بشر دوستانه در اسلام و مقررات امروزی، نشان می‌دهد که حقوق اسلامی در این زمینه هم به لحاظ تاریخی و هم به جهت داشتن احکام بشر دوستانه بسیار غنی‌تر از حقوق بشر دوستانه کنونی است. بدلیل آنکه حقوق بشر دوستانه جنبه‌ی جهانی دارد و اندیشه‌ی بشر دوستانه بیش از هر زمان دیگر، در حوزه‌ی بین الملل در حال تثبیت و شکوفایی است از اینرو تبیین دید گاه اسلام در این زمینه ضروری و حیاتی می‌نماید. لذا در این تحقیق بر آن شده‌ایم تا ایده و نگرش‌های حقوق بشر دوستانه دین مبین اسلام را که در چهارده قرن گذشته در کلام خدا و ائمه اطهار (ع) ابراز شده است را بررسی کنیم.

واژه‌های کلیدی: حقوق بشر دوستانه، اسلام، اسناد بین المللی، معاهدات.

1. faghih.habibi@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مقدمه

حقوق بین‌الملل بشر دوستانه تاریخی‌ترین و قدیمی‌ترین بخش حقوق بین‌الملل است بنابراین شکل‌گیری آن به صورت امروزی متأثر از وقایع و رویدادهای تاریخی است. بدنبال پیدایش جوامع اولیه و شکل‌گیری روابط دوستانه میان آنها، روابط خصمانه نیز به دلیل تبعیض و بی‌عدالتی و استقلال‌طلبی ملت‌ها موجودیت پیدا کرد. جنگ بارزترین نمونهٔ روابط خصمانه است. قواعد و مقررات انسان دوستانه در ابتدایی‌ترین جنگ‌ها، البته نه به شکل امروزی آن ، رعایت می‌شده است. برای مثال در یونان و ایران باستان مقرراتی راجع به رفتار با اسیران جنگی و احترام به آنها، ایمنی غیر رزمندگان، تکریم تسلیم‌شدگان، حرمت اماکن مقدس و... دیده می‌شود. پای بندی قواعد و رفتار انسان دوستانه و رعایت آنها در زمان درگیری‌های مسلحانه، برخاسته و نشات گرفته از تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و عقاید و مذاهب ملل مختلف جهان می‌باشد. به یقین می‌توان گفت که در این زمینه بیشترین قوانین و مقررات مشترک میان ملّت‌ها وجود دارد و این مسئله سبب رعایت قواعد و مقررات انسان دوستانه در هنگام مخاصمات مسلحانه می‌گردد. لازم به یادآوری است که در این عرصه، نظام حقوقی اسلام بیش از سایر نظام‌های حقوقی جهان، قواعد بشر دوستانه را به جوامع بشری در راستای حرمت و پاسداشت انسان و انسانیت عرضه نموده است.

باید اذعان داشت که حقوق بشر دوستانه بخشی از حقوق بین‌الملل است که در هنگام مخاصمات مسلّحانه بر روابط بین‌المللی دولت‌ها و عملکرد نیروهای نظامی حاکم می‌شود. هدف اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در غالب معاهدات و اسناد بین‌المللی آمده است، حمایت از حیات، سلامت و کرامت غیرنظامیان و رزمندگانی که صحنه درگیری را ترک کرده‌اند، می‌باشد. همچنین حقوق بین‌الملل بشردوستانه حق طرف‌های درگیری را در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی محدود می‌نماید. بطور کلی حقوق بشر دوستانه از حقوق اساسی بشر و از حقوق قربانیان در شرایط جنگ دفاع نموده و باعث کاهش آلام صدمات ناشی از مخاصمات مسلّحانه می‌گردد. حقوق بشر دوستانه از یک سو ماهیت حقوق بشری دارد؛ چون رعایت آن درباره‌ی هر انسانی بدون توجه به رنگ ، نژاد ، زبان، مذهب و ملّیت لازم بوده و از سوی دیگر چون با انعقاد کنوانسیون‌های بین‌المللی لازم‌الاجرا می‌شود، صبغه‌ی حقوق بین‌المللی پیدا می‌کند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

بیان مسئله

به موازات گسترش روابط دوستانه‌ی بین‌المللی و پویایی دانش و فرهنگ و تمدن انسانی ، قدرت دولت‌ها و نیروهای خودکامه به تحلیل رفته و ارزش‌های اخلاقی و بشر دوستانه که در گذشته‌ها فقط جنبه‌ی اخلاقی داشت، امروزه به عنوان مهم‌ترین بخش حقوق بین‌الملل، جنبه‌ی حقوقی و الزامی یافته است. در اثر وقوع جنگ‌های خانمان‌سوز جهانی و منطقه‌ای ، امروزه همه به این باور رسیده‌اند که رعایت حقوق بشر دوستانه تأمین‌کننده‌ی منافع همه‌ی ملّت‌هاست؛ چون هر کشوری ممکن است روزی گرفتار مخاصمات مسلّحانه گردد و مردم آن نیازمند برخورداری از حداقل حقوق انسانی و قواعد محدودکننده‌ی رفتار قوای درگیر جنگ باشند .انسان در تاریخ حیات خود جنگ‌های خونینی را به خود دیده است، ملّتی نیست که از آسیب‌های آن در امان مانده باشد؛ این آسیب‌ها نه تنها جان و مال انسان را تهدید کرده، بلکه کرامت و احترام او را نیز نشانه گرفته است . کشتار کودکان، زنان و سالخوردگان، تجاوز به عنف و امثال آن، قلب بشریت را جریحه‌دار و پرونده‌ی افتخارآمیز جنگاوران را سیاه کرده است. در این میان حقوق بشردوستانه در پی کم کردن این آسیب‌ها و دفاع از حقوق ستمدیدگان جنگ بوده و جامعه جهانی با تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون ژنو و لاهه و سایر کنوانسیون‌ها سعی در ایجاد یک اصول اساسی بشر دوستانه در زمان رخدادهای جنگی است اما این کنوانسیون‌ها، قوانینی هستند که رعایت آنها، اگر چه از وقوع جنگ جلوگیری نمی‌کنند، اما دردها و آسیب‌های انسانی را تا حدودی از طرفین مخاصمه می‌کاهد. هرچند قوانین حقوق بشر دوستانه همانگونه که در کنوانسیون‌های بین‌المللی امروزه مطرح می‌باشد در منابع اسلامی مطرح نبوده، اما مواد آن از صدر اسلام، چه در قرآن و چه در سنّت پیامبر (ص) و امامان اهل بیت(ع) موجود بوده است. قرآن کریم به صورت مکرّر بر رعایت عدالت و تجاوز نکردن از حدود معقول انسانی در مقابل دشمنان تأکید کرده است. برخی از تعالیم گسترده اسلام در مورد اشخاص و افرادی است که در جنگ و نبرد شرکت نکرده‌اند و یا طرف درگیر نیستند، می‌باشد. به عبارت دیگر دین اسلام، برای افراد غیر نظامی، خواهان امنیت و سلامتی کامل شده و همچنین اسلام حقوق ویژه‌ای را برای کودکان و زنان در زمان جنگ قائل شده است. در حدیثی معتبر پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: پیران، زنان، اطفال، عابران و رهبانان را که در غارها و بیغوله‌ها زندگی می‌کنند، به قتل نرسانید.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

شبیه این حدیث را، امام صادق علیه‌السلام نیز نقل کرده‌اند. هدفی که بر این پژوهش به نظر می‌رسد این است که شباهت و تفاوت‌های عمده حقوق بشر دوستانه اسلام با اسناد بین‌المللی بر محقق روشن شده و اینکه قواعد اسلام در چهارده قرن پیش، در زمان وقوع جنگ، چه حقوق بشر دوستانه و آدابی را در نظر گرفته است؟ از طرفی در اسلام و عرصه بین‌الملل چه اقشار و گروه‌هایی از جنگ مصون هستند؟ و اینکه بر محقق روشن شود چه قواعدی در مورد حقوق بشر دوستانه به تصویب رسیده و تا چه میزان دارای ضمانت اجراست می‌تواند از اهداف این تحقیق به حساب آید.

روش پژوهش

روش تحقیق به صورت نظری و کتابخانه‌ای بوده و برای تطبیق مطالب از کتب و مجلات حقوقی داخلی و بین‌المللی، استفاده شده است.

واژه‌شناسی و تعاریف

گاهی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در اذهان در ابتدا مشابه هم می‌باشند و به یکدیگر نسبت داده می‌شوند در صورتی که اینها با هم متفاوت می‌باشند لذا در این مبحث بر آنیم تا با بررسی دقیق مفاهیم حقوق بشر دوستانه آنرا بطور کامل از حقوق بشر تفکیک نماییم.

مفهوم حقوق بشر دوستانه

حقوق بشردوستانه واژه‌ای است که در قرن حاضر و بعد از حقوق بشر بوجود آمده است. حقوق بشردوستانه ترجمه کلمه Humanitarian law است. در ایران آنرا حقوق انسان دوستانه هم می‌نامند اما بیشتر از واژه بشر دوستانه استفاده می‌شود. واژه «حق» در ترکیب «حقوق بشردوستانه»، ترجمه حق در مقابل تکلیف نیست، و حقوق به معنی مقررات است، بعبارتی مقرراتی که انسان دوستانه باشد معنا می‌دهد.

تعریف حقوق بشر دوستانه

حقوق بشر دوستانه ناظر بر قوانین و مقررات در جهت حفظ حقوق و ارزش‌های انسانی در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

زمان جنگ می‌باشد که هدف اصلی آن کاهش آلام و دردهای افراد بی‌گناه و غیر نظامی و همچنین نظامیان و سربازان در درگیری‌ها و مخاصمات مسلحانه، مانند حفظ حقوق مجروحان جنگی، حفظ حقوق اسرا و .... می‌باشد.

بطورکلی حقوق بشردوستانه، مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی قراردادی یا عرفی است که مشخصاً ناظر به مشکلات بشردوستانه‌ای است که از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی ناشی شده‌اند . این قواعد به دلایل بشردوستانه حق طرفین مخاصمه را در انتخاب و استفاده از ابزارها و شیوه‌های جنگی محدود می‌کند و اشخاص و اشیایی را که از درگیری‌ها متأثر شده یا خواهند شد ، مورد حمایت قرار می‌دهد. حقوق بشردوستانه «حقوق مخاصمات مسلحانه» نیز نامیده می‌شود.(قربان نیا، ۱۳۸۵: ٤٧)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

رابطه حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر

درگذشته، حقوق بشر[1] و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه بصورت مجزا شکل گرفته و توسعه یافتند، حقوق بشر را حقوق زمان صلح و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را حقوق زمان جنگ قلمداد می‌کردند. بنابراین تصور این بود که هیچ رابطه و نسبتی میان این دو واژه وجود ندارد. اما در پی تغییر و تحولاتی که در نظام حقوق بین‌الملل در دو عرصهٔ حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه صورت گرفت و قلمرو اجرایی مکانی و زمانی این دو حقوق گسترش پیدا کرد، حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر در جهت همگرایی به منظور حمایت از انسان و کرامت انسانی او توسعه یافته و بتدریج به سمت نزدیک شدن حرکت نمودند بدین ترتیب رابطه میان حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر در دو نظام حقوق بین‌الملل معاصر شکل گرفت.

حقوق بشردوستانه و حقوق بشر هر دو درصدد حمایت از فرد هستند. حقوق بشردوستانه در موقعیت درگیری‌های مسلحانه اعمال می‌شود، در حالی که حقوق بشر در همه موقعیت‌ها اعم از جنگ و صلح از فرد حمایت می‌کند .هدف حقوق بشردوستانه حمایت از قربانیان جنگ با تلاش برای محدود کردن رنج‌های ناشی از جنگ است، اما حقوق بشر به دنبال حمایت از فرد و پس از آن پیشرفت اوست. حقوق بشردوستانه در درجه اول مربوط به رفتار یا اشخاصی است که به دست دشمن افتاده‌اند و روشی که جنگ باید بر اساس آن هدایت

1. Human right

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

شود. هدف حقوق بشر تنظیم روش‌هایی به‌منظور هدایت عملیات نظامی نیست، بلکه هدف آن محدود کردن قدرت دولت بر اشخاص و جلوگیری از رفتار مستبدانه است.

پیشینه تاریخی

مقررات حقوق بشردوستانه ریشه در تاریخ دارد. زیرا از ابتدای حیات جوامع بشری تاکنون همواره جنگ بین انسان‌ها وجود داشته و جنگ‌ها همیشه تابع نوعی مقررات بوده‌اند قواعد و مقررات انسان دوستانه در ابتدایی‌ترین جنگ‌ها – البته نه به شکل امروزی آن – رعایت می‌شده است. برای مثال در یونان و ایران باستان مقرراتی راجع به رفتار با اسیران جنگی و احترام به آنها، ایمنی غیر رزمندگان، تکریم تسلیم‌شدگان، حرمت اماکن مقدس و...دیده می‌شود. پای بندی قواعد و رفتار انسان دوستانه و رعایت آنها در زمان درگیری‌های مسلحانه، برخاسته و نشات گرفته از تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و عقاید و مذاهب ملل مختلف جهان است. به یقین می‌توان گفت که در این زمینه بیشترین قوانین و مقررات مشترک میان ملّت‌ها وجود دارد و این مسئله سبب رعایت قواعد و مقررات انسان دوستانه در هنگام مخاصمات مسلحانه می‌شود.(دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، ۱۳۸۳: ۸)

در میان قبیله سومریان یک نهاد سازمان‌یافته وجود داشته که در آن قواعد و مقرراتی مانند اعلام جنگ، حکمیت، مصونیت سفرا و نمایندگان سیاسی و احترام به قراردادهای صلح وجود داشته است. در این دوره رسم آزادی اسرا در مقابل گرفتن پول (فدیه) نیز رایج بوده است. حمورابی پادشاه بابل در مجموعه قوانین و مقررات خود بنام الواح حمورابی به بخشی از قوانین و مقررات جنگ اشاره می‌نماید.(محقق داماد، ۱۳۷٤ الف: ۱٤۹) سون تزو[1] در کتاب خود بعنوان هنر جنگ که ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بعنوان اولین اثر ادبی کلاسیک در استراتژی نظامی نگاشته شده رعایت اصول انسانی همانند احترام به اسیران جنگی، دلاوی، شرافت، پرهیز از خشونت بی‌دلیل و آزار رساندن به غیرنظامیان را برای فرماندهان گوشزد نموده است.(محقق داماد، ۱۳۷٤ب: ٦۹) کتب آسمانی قرآن و انجیل هم دربردارنده قواعدی در مورد جنگ‌ها هستند . هر چند که قرآن مجید در این میان موقعیتی ممتاز دارد و در آن به کرات بر رعایت اصول انسانی در هدایت و اداره جنگ‌ها تأکید شده است. همچنین در

1. SUNTEZO

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

احادیث و روایات اسلامی نمونه‌هایی از قواعد بشردوستانه حقوقی به چشم می‌خورد. اما این قواعد حقوقی ، جنبه عرفی داشته و تدوین نشده بودند. نخستین قانون بشردوستانه مدون و منظمی که از سوی یک دولت برای نیروهای مسلح تدوین شد، مجموعه قوانین لیبر بود. این مجموعه قوانین توسط دولت ایالات‌متحده آمریکا در سال ۱۸۶۳ تصویب شد و هدف آن تنظیم رفتار سربازانی بود که در ایالات‌متحده درگیر جنگ‌های داخلی بودند. اما این قانون هم جنبه داخلی داشت و فقط در ایالات‌متحده قابل اجرا بود .

در سال ۱۸۵۹ جنگی میان فرانسه و اتریش در محلی به نام سولفرینو در شمال ایتالیا روی می‌دهد و تلفات و خسارات جانی و مالی فراوانی به طرفین جنگ وارد می‌شود این حادثه ناگوار هانری دونان[1]، تاجر معروف سوئیسی را که به‌طور همزمان در منطقه مذکور بود تحت تأثیر قرار داده و موجب نگارش کتابی تحت عنوان «خاطرات سولفرینو»[2] از سوی ایشان می‌گردد او در کتاب خودش دو پیشنهاد مهم و اساسی را مطرح می‌نماید که پیشنهاد دوم او منجر به تصویب معاهده‌ای در جهت بهبود شرایط مجروحین جنگی می‌شود. این قرارداد موجب تدوین و تصویب کنوانسیون‌های لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و کنوانسیون چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ توسط دولت‌ها می‌شود که به ترتیب حقوق لاهه و حقوق ژنو نام دارد. مقررات حقوق لاهه و حقوق ژنو با تصویب دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ به صورت یک نظام حقوقی واحد و منسجم درآمده و حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاصر را تشکیل می‌دهند.(دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، ۱۳۸۳: ۸)

بحث و پژوهش:

رابطه حاکمیت و مداخله بشر دوستانه در رویه سازمان ملل

به هنگام تدوین منشور ملل متحد، بر اصول «تساوی حاکمیت‌ها»، «منع توسل به زور» و «منع مداخله» تأکید شد. بند اول ماده ۲، تصریح می‌کند «سازمان ملل بر پایه اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضای آن استوار است.» مطابق بند چهارم ماده ۲ منشور ملل متحد، دولت‌ها ملزم هستند در روابط بین‌المللی خود از توسل به تهدید یا کاربرد زور خودداری نمایند. طبق بند هفت

1. Henry Dunant
2. A memory of solferino

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ماده ۲ منشور«هیچ یک از مقررات مندرج در منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است، دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند. لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش بینی شده لطمه وارد نخواهد آورد.»

این ممنوعیت بر اساس ماده ۵۱ منشور، لطمه‌ای به حق طبیعی دفاع مشروع وارد نمی‌سازد. ماده ٤۲ منشور نیز استثنای دیگری نسبت به این قاعده در نظر می‌گیرد. طبق این ماده، شورای امنیت می‌تواند علیه دولت‌هایی که به نقض یا تهدید صلح یا تجاوز می‌پردازند، اعمال زور نماید. رویه سازمان ملل نشان می‌دهد که حاکمیت هر دولت در امور داخلی خود تا آن جا که با حقوق سایر دولت‌ها برخورد می‌کند و یا یکی از حقوق اساسی انسان را مورد تهدید قرار می‌دهد، محدودیت می‌پذیرد.(مولایی، ۱۳۸۲: ۲۵) اقداماتی که در جهت حفظ حقوق بشر انجام گرفته است، به خوبی نشان می‌دهد که می‌توان روزنه‌هایی در اصل عدم مداخله بدین منظور گشود، بی آنکه با بند هفت ماده ۲ تعارضی به وجود آید. به دنبال پایان یافتن جنگ سرد و فعال شدن سازمان ملل در برخورد با مسائل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی، این سازمان در بعضی موارد به تخطی از حدود اختیارات و نادیده انگاشتن حاکمیت دولت‌ها و مداخله در امور داخلی آن‌ها متهم شده و به خاطر عدم رعایت منشور مورد انتقاد واقع شده است.

رابطه حاکمیت و مداخله بشر دوستانه در رویه قضایی بین‌المللی

دیوان بین‌المللی دادگستری از بدو تشکیل، گام‌های مهمی در زمینه تأیید اصل عدم مداخله به عنوان یکی از قواعد حقوق بین‌الملل برداشته که شایسته توجه و بررسی است. دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹٤۹ در قضیه «تنگه کورفو» میان آلبانی و انگلستان اظهار داشت «دیوان حق مداخله را تنها به‌عنوان تجلی سیاست اعمال زور که همچون گذشته زمینه جدی‌ترین سوء استفاده‌ها را فراهم می‌آورد می‌داند و نمی‌تواند جایگاهی برای آن در حقوق بین‌الملل بیابد.» در حکم دیگری که دیوان در سال ۱۹۸٦ در خصوص قضیه «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه و بر ضد رژیم آن کشور» صادر کرد، مداخله در صورت موجود بودن دو شرط، غیرقانونی تعریف شد: «نخست آنکه مداخله در موضوعاتی که هر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

کشور در نتیجه اصل حاکمیت مجاز به انجام آن‌هاست تحمیل شود. دوم، روش مورد استفاده کشور مداخله‌گر زورمندانه و قهرآمیز باشد. همچنین در مداخله‌ای که به‌طور قهرآمیز و با استفاده از زور صورت گرفته، باید عنصر زور و اجبار امری بارز و آشکار باشد.» دیوان در قضیه «نیکاراگوئه» اعلام نمود اصل عدم مداخله، دولت‌ها را از دخالت غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر منع نمی‌کند.(کریمی، ۱۳۷۵: ۱۰۸) از سوی دیگر با توجه به ویژگی‌های مصوبات شورای امنیت پس از جنگ سرد، می‌توان گفت این شورا به سمت پذیرش این نظریه حرکت می‌کند که قطعنامه‌های شورای امنیت عملیات‌های مبتنی بر مداخلات بشردوستانه را تجویز می‌کند و برای ضمانت اجرای آن حتی دست به تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی می‌نماید. تشکیل دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق برای محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی و مسئولان کشتار دسته‌جمعی از سوی شورای امنیت سازمان ملل، در واقع تلاشی برای ایجاد شکل جدیدی از مداخله دسته‌جمعی بشردوستانه در رابطه با نقض گسترده حقوق بشر محسوب می‌شود.(مهرپور، ۱۳۷۷: ۲۲)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

حقوق بشر دوستانه و مبارزه با تروریسم

تروریسم اساساً یک پدیده‌ی کیفری بوده است و مبارزه با آن در قالب اجرای قوانین کیفری انجام می‌شود و همکاری موثّر دولت‌ها در مقابله با شبکه‌های فراملّی تروریستی رمز موفقیت تلاش‌های بین‌المللی است. در چنین شرایطی حقوق بشر و حقوق کیفری چارچوب حقوقی مناسب به شمار می‌رود؛ اما طرّاحان و طرفداران نظریه «جنگ علیه تروریسم» معتقدند که گستره و شدت حملات تروریستی، اتّخاذ اقدامات نظامی علیه گروه‌های تروریستی را ایجاب می‌کند و بنابراین حقوق بشر دوستانه را در مبارزه‌ی نظامی با تروریسم قابل اجرا می‌دانند. تا به امروز هیچ‌گونه تعریفی جامع از تروریسم وجود ندارد. و در خصوصی این امر میان نویسندگان و حقوقدانان اختلاف‌نظر وجود دارد، اما در کل کشورهای غربی و توسعه‌یافته عمدتاً طرفداران تعریفی موسع از تروریسم و کشورهای جهان سوم طرفدار تعریفی مضیق از تروریسم هستند و این به خاطر قرابت مفهومی است که میان تروریسم و نهضت‌های آزادی‌بخش وجود دارد. لذا تا به امروز هیچ سند جامعی وجود ندارد که بطور کل کلیه اشکال اقدامات تروریستی را در کلیه شرایط ممنوع اعلام کند. کنوانسیون‌های متعددی در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

بعد منطقه‌ای و جهانی در خصوص اقدامات تروریستی منعقد شده‌اند که همه آنها از لحاظ موضوعی و قضائی محدودیت‌های ویژه‌ای داشته‌اند و کمکی به ارائه تعریف جامع از این پدیده نمی‌کنند ولی با بررسی آن‌ها می‌توان مؤلفه‌های اساسی شکل‌گیری یک اقدام تروریستی را چنین برشمرد: ۱) توسل به خشونت ۲) انگیزه‌های سیاسی ۳) قصد ایجاد رعب و وحشت میان غیر نظامیان.

غیر قابل اجرا بودن حقوق بشر دوستانه در مبارزه با تروریسم

اکثر مؤلفین حقوق بین‌الملل بر این عقیده هستند که تروریسم؛ چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی از قرن‌ها پیش صورت می‌گرفت. مجموعه‌ای از کنوانسیون‌های بین‌المللی در مبارزه با انواع خاصی از اقدامات تروریستی و نیز قوانین داخلی کشورها به این پدیده‌ی اجتماعی و سیاسی جنبه‌ی کیفری بخشیده است. این واقعیت که امروزه گروه‌های تروریستی با ایجاد شبکه‌های فراملی اهداف واقع در فراسوی مرزهای ملّی را مورد هدف قرار می‌دهند، ماهیت اساساً کیفری اعمال تروریستی را تغییر نمی‌دهد و بسیاری از اقداماتی که کشورها برای مقابله با ت تروریسم اتّخاذ می‌نمایند، معادل عملیات نظامی در یک مخاصمه‌ی مسلّحانه نیست و شباهتی به آن ندارد؛ تدابیری همچون تبلیغات ضد تروریستی، همکاری پلیسی و قضایی، استرداد مجرمین، مجازات کیفری، ضبط و توقیف دارایی گروه‌های متّهم به تروریسم، تلاش برای متوقف ساختن گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و غیره، شامل توسل به زور نبوده است. مطابق با این رویکرد، حقوق قابل اجرا در مبارزه با تروریسم قواعد حقوق بشر و حقوق کیفری هستند و کشورها باید در این مبارزه به حقوق تضمین شده در قوانین ملّی و حقوق بین‌الملل بشر ملتزم باشند و بدون توجه به انگیزه‌های سیاسی افراد متّهم به اقدامات تروریستی، اصول و موازینی همچون دادرسی عادلانه، احترام به حیثیت و کرامت انسانی را به عنوان حداقل معیارهای رفتار انسانی رعایت نمایند.(کمیته بین المللی صلیب سرخ، ۲۰۰۳: ۱۸) از طرف دیگر، غیر قابل اجرا بودن حقوق بشر دوستانه در مبارزه با تروریسم بیش از آن که مانع باشد، باید امتیاز تلقّی شود؛ زیرا حقوق بشر دوستانه سازشی است بین حقّ اعمال خشونت و کشتن رزمنده و به اسیری گرفتن وی از یک سو و رعایت حداقل حقوق انسانی و لزوم کاهش درد و رنج‌های غیرضروری در به کارگیری خشونت از سوی دیگر. اگر در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

زمان صلح، حقوق داخلی، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق کیفری، آدمکشی و مجروح کردن دیگران را ممنوع کرده‌اند، هنگامی که حقوق بشر دوستانه به عنوان حقوق خاص(Lex Specialis) به اجرا در می‌آید، این ممنوعیت‌ها به حداقل می‌رسد و حتّی اعمال خشونت و توسل به زور با رعایت اصول و موازین بشر دوستانه قانونی می‌گردد. استدلال دیگر بر عدم اجرای حقوق بشر دوستانه این است که حقوق بشر دوستانه تنها در زمان مخاصمات مسلّحانه قابل اجراست. در یک مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی بین‌المللی الزاماً دو دولت طرف مناقشه‌ی نظامی هستند و بنابراین تا زمانی که اقدامات تروریستی به یک دولت قابل انتساب نباشد و بین نیروهای نظامی دو دولت،درگیری نظامی رخ ندهد، حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی به مرحله‌ی اجرا درنمی‌آید. در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی طرف‌های مناقشه می‌توانند یک دولت و یک گروه نظامی و یا چند گروه نظامی باشند؛ اما شرط اساسی این است که طرف‌های مناقشه باید مشخصات خاص خود را داشته و از یکدیگر قابل تشخیص و تفکیک باشند (پروتکل نخست الحاقی، ماده ٤٤)؛ در حالی که گروه‌های تروریستی به عنوان طرف مناقشه قابل تشخیص نیستند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

حقوق بشر دوستانه در عرصه بین‌الملل

حقوق بشر دوستانه بخشی از حقوق بین الملل است که در هنگام مخاصمات مسلّحانه بر روابط بین المللی دولت‌ها و عملکرد نیروهای نظامی حاکم می‌شود. هدف اصلی حقوق بین الملل بشردوستانه که در غالب معاهدات و اسناد بین المللی آمده است، حمایت از حیات، سلامت و کرامت غیرنظامیان و رزمندگانی که صحنه درگیری را ترک کرده‌اند، می‌باشد. همچنین حقوق بین الملل بشردوستانه حق طرفهای درگیری را در انتخاب روشها و سلاحهای جنگی محدود می‌نماید. بطور کلی حقوق بشر دوستانه از حقوق اساسی بشر و از حقوق قربانیان در شرایط جنگ دفاع نموده و باعث کاهش آلام صدمات ناشی از مخاصمات مسلّحانه می‌گردد.

قواعد و مقررات حقوق بشر دوستانه در عرصه بین الملل

در عرصه بین المللی یکسری از قواعد و مقرراتی در باب حقوق بشر دوستانه در طی سالیان

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

متمادی وضع گردیده است که همگی در دفاع از ارزشهای انسانی و مسائل پیش روی جنگ می‌باشند. بطور اجمالی این قواعد به شرح ذیل تقسیم بندی می‌شوند که به تفصیل آنها در این تحقیق می‌پردازیم:

تمایز غیر نظامی از نظامی

یکی از اصطلاحاتی که در نظام حقوق بشر دوستانه وجود دارد اصل تمایز یا تفکیک است این اصل به این معنی است که نظامیان[1] (رزمندگان و سربازان) باید در تمامی زمان‌ها بین جمعیت غیر نظامی[2] و نظامیان دشمن و بین اهداف غیر نظامی[3] و اهداف نظامی[4] تمایز و تفاوت قائل شوند و بر این اساس هرگونه حمله خود را تنها متوجه نظامیان و اهداف نظامی نموده و از هرگونه حمله علیه غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی اجتناب نموده و آنها را مورد تعرض قرار ندهند.(conde, 2002: 67) ددر نظام حقوق بشر دوستانه، اصل تمایز به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول حمایتی حاکم بر حقوق بشر دوستانه مورد شناسایی قرار گرفته است. یکی از اصول انسانی حاکم بر جنگ آن است که بین نظامیان و غیر نظامیان تفکیک به عمل آمده و افراد و جمعیت غیر نظامی مورد تهاجم قرار نگیرند.(قربان نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۳) تمایز بین افراد نظامی و افراد عادی مسأله‌ای قدیمی در تاریخ جنگ‌ها نبوده و حداقل تا قرون وسطی، در جنگ‌ها، تمامی ساکنان کشور دشمن، مانند هم بوده و با همه به یک نوع رفتار می‌شد. ولی در مقدمه بیانیه ۱۸۶۸ سن پطرزبورگ تصریح شد؛ «تنها هدف مشروع در جنگ تضعیف نیروهای مسلح دشمن است، تا این که به تدریج اصل تمایز یا اصل ایمنی غیر رزمندگان مورد توجه بیشتری قرار گرفت.(قربان نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۳) مقرات ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه نیز به طور ابتدایی و ناقص، حمایت از افراد عادی را مورد پذیرش قرار داده‌اند، اما کنوانسیون چهارم ژنو مربوط به حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ، به طور آشکارا بین افراد عادی و نظامی تمایز قائل شده[5] و پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو(۱۹۷۷) مربوط

1. Combatants
2. Civilian Population
3. Civilian Objects
4. Military Objects
5. Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, Adopted on 12 August 1944 by the Diplomatic Conference for the Establishment of International

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین المللی[1] نیز صریحاً در ماده ٤٨، حمایت از افراد عادی را توسعه داده و مقرر نموده؛ «به منظور تضمین احترام و حمایت از جمعیت غیر نظامی و اموال غیر نظامی، طرف‌های مخاصمه باید همواره بین سکنه غیر نظامی و نظامیان و نیز بین اهداف نظامی و اهداف غیر نظامی تمایز قائل شده و عملیات خود را فقط متوجه اهداف نظامی نمایند». به این ترتیب رعایت اصل تمایز علاوه بر حمایت از افراد بشری (غیر نظامیان) شامل حمایت از اموال آنها نیز می‌شود.

علاوه بر این، ماده ٥٠ پروتکل اول، بر این امر تأکید نموده که حتی در موارد شک در غیر نظامی بودن فردی، باید او را غیر نظامی محسوب نمود. همچنین ماده ٥١ پروتکل مزبور، حتی تهدیدهای خشونت آمیز که هدف اصلی آن ایجاد وحشت در میان سکنه غیر نظامی است را ممنوع شمرده است (بند ٢ ماده ٥١). پروتکل دوم که مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیر بین المللی است،[2] نیز افراد عادی را مورد حمایت قرار داده و در ماده ١٣، عملیات نظامی علیه افراد عادی را ممنوع کرده و علاوه بر این اقدامات و تهدیدهای خشونت آمیز علیه جمعیت غیر نظامی نیز ممنوع شمرده و در ماده ١٤ نیز اموال غیر نظامی ضروری برای حیات جمعیت غیر نظامی را مورد حمایت قرار داده است. اهمیت رعایت اصل تمایز بین غیر نظامیان و نظامیان و همچنین میان اهداف غیر نظامی و اهداف نظامی به‌اندازه‌ای است که دیوان بین المللی دادگستری در رأی مشورتی ١٩٩٦ بر این امر تأکید کرده که: «دولت‌ها حق ندارند غیر نظامیان را هدف حمله قرار دهند و درنتیجه هرگز نباید سلاح‌هایی را به کار گیرند که قادر به تفکیک اهداف نظامی و غیر نظامی نیستند.»(قربان نیا، ١٣٨٧: ١٧٤) حتی قاضی بجاوی، اصل تمایز و ممنوعیت به کارگیری سلاح‌هایی که قادر به تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی نیستند را جزء قواعد آمره حقوق بین المللی محسوب نموده است. (قربان

Conventions for the Protection of Victims of War, Held in Geneva From 21 April to 12 August, 1949 Entry into Force 21 October 1950

1. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I) Adopted on 8 June 1977 by the Diplomatic Conference on the Reaffirmation and Development of International Humanitarian Law Applicable in Armed Conflicts Entry into Force 7 December 1978

2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II) Adopted on 8 June 1977 by the Diplomatic Conference on the Reaffirmation and Development of International Humanitarian Law Applicable in Armed Conflicts Entry into Force 7 December 1978

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نیا، ۱۳۸۷: ۱۷٤) قصور در التزام به اصل تمایز و عدم تمایز میان افراد عادی و نظامیان یا اهداف نظامی و غیر نظامی در هنگام حملات، منجر به «حمله کورکورانه»[1] و نقض قوانین حقوق بشر دوستانه می‌گردد.[2]

اصول اولیه حقوق بشر دوستانه در اسلام

دسته ایی از موارد رعایت اصول نسانی وجود دارد که گریز از آن در حق انسانها تخلف محسوب شده و نمی‌توان به سادگی از آن چشم پوشی کرد این موارد اصول اولیه حقوق بشر دوستانه است که دین مبین اسلام همواره علاوه بر آنکه خود آنها را رعایت می‌نماید به سایرین هم توصیه می‌نماید که در این مبحث طی چند گفتار ابعاد آنرا بررسی می‌نماییم.

رعایت حقوق بشر دوستانه در مخاصمات

قبل از آنکه وارد مقوله حقوق بشر دوستانه در اسلام شویم و ویژگیهای آن را بررسی نماییم باید اذعان داشت که،نظام حقوقی اسلام دو ستون اصلی دارد که مشابه دیگر نظامهای حقوقی معاصر نیستند، اول اینکه نظام حقوقی اسلامی ماهیتاً نظامی این جهانی یا دنیوی نیست، بلکه دارای منشاء الهی و مقدس است و عبارت است از اعمال ایمان اسلامی به نحوی مشخص در مورد روابط انسانی.اسلام نه تنها یکی از ادیان، بلکه مجموعه قواعدی حاکم بر رفتار مؤمنین و شکل دهنده روابط آنان در جامعه است.در اسلام، ایمان دینی و نظم حقوقی، کل تجزیه ناپذیری درست می‌کنند که در آن، ایمان منشاء و مصدر و نظم حقوقی مکمل آن است.

دوم اینکه نظام حقوقی اسلامی برخلاف اغلب نظامهای حقوقی معاصر که شامل حقوق خصوصی و عمومی می‌باشند، به شاخه‌های جداگانه تقسیم نمی‌گردد. قواعد آن از قرآن گرفته شده و مقوم کلیتی خطاب به هر شخصی در هر زمان و مکان می‌باشد:قواعدی است دارای منشاء الهی برای افراد از حیث فرد بودن و نیز برای اجتماعات و جوامع به هر شکل و نوع و دارای هر ساختاری که باشند.خداوند از طریق پیامبر خود، انسان را به طور کلی و بدون تمایز مخاطب قرار می‌دهد و قواعدی را جهت اداره و تنظیم رفتار وی در جامعه و هدایت

1. Indiscriminate attack

2. See: Voon, Tania, Pointing the Finger: Civilian Casualties of NATO Bombing in the Kosovo Conflict, in 16 Am. U. Int,L L. Rev. 1083.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

او در زمینه اعتقادات و ایمان مقرر می‌دارد.(محقق داماد، ۱۳۷۲: ۲۱۹)

تاریخچه جنگ در اسلام

اسلام در قرن هفتم هنگامی ظهور کرد که جنگ، سلطه جویی، رقیت، برده‌برداری و جهل حکومت می‌کرد.زور در تمای شؤون زندگی عرض اندام می‌کرد و کیفیت بی قید و شرط داشت.جوامع آن دوران هیچ گونه ساخت اجتماعی یا اقتصادی نداشتند یا حداکثر از این حیث در حد بسیار ضعیفی بودند. مفاهیم دولت، سرزمین، مرز، تابعیت، روابط سازمان یافته، ارتباطات و اطلاعات یا وجود نداشتند یا ناشناخته بودند. هدف اسلام این بود که این خلاء تاریک را پر نماید، اساس رسالت اسلام دینداری و متمدن کردن بشر و غرض از آن به منصه ظهور رسانیدن خواست جامعه‌ای نوین برای ایجاد انسجام و ورود به صحنه عمل بود، جامعه‌ای که بعد از آن می‌بایست مسلط بر سرنوشت خود باشد.به این جامعه نوین، دینی مبتنی بر توحید و نظامی حقوقی نشأت گرفته از سه منبع قرآن، سنت و اجتهاد عطا شد.

قرآن کلام قدیم خداوند، «پروردگار تمامی جهانیان» است که به پیامبر برگزیده او جهت ابلاغ به همه اقوام و مردمان وحی شده است. قرآن به تفاریق در طی ۲۳ سال و هر زمانی که مشکلی بوجود می‌آمد، معمولاً جهت حل آن، نازل گردید.قرآن برای راهنمایی انسان در سراسر زندگی دنیوی و معنوی فردی و جمعی و خطاب به تمامی طبقات افراد و جوامع در هر زمان و مکان نازل شده است. موضوع محوری قرآن یکتاپرستی محض، یعنی اعتقاد به یگانگی خداست، هر چند به تمامی جنبه‌های زندگی می‌پردازد. قرآن به ۱۱٤ سوره دارای ابعاد بسیار مختلف تقسیم شده است. هر سوره شامل آیاتی می‌گردد که جمع آنها در تمامی قرآن به ٦٦۰۰ می‌رسد حدود ۲۰۰ آیه قرآن بدنه حقوق اسلام را که حاکم بر روابط حقوقی است، تشکیل می‌دهند.قواعد این سیستم آمرانه است و باید همیشه بر روابط معین و بخصوص که ناظر بر آنهاست، اعمال گردد.شایان ذکر است که علت وجودی کلیه قواعد مندرج در این ۲۰۰ آیه به پنج اصل بنیادی که شالوده کل نظام حقوقی اسلامی است، برمی‌گردد.

اصول بنیادین بشر دوستانه اسلامی

مفهوم حقوق بین‌الملل بشردوستانه در اسلام شامل برخی قواعد است که کیفیت بنیادین دارند

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

و سراسر نظام حقوقی بشردوستانه اسلام متأثر از آنهاست این اصول عبارتند از: ۱) عدالت، ۲) مساوات، ۳) شور براساس دموکراسی، ٤) وفای به عهد، ٥) مقابله به مثل. در مجموع این پنج اصل ارزشهای محوری و کلی نظام حقوقی اسلامی را تشکیل می‌دهند.با مرگ پیامبر اسلام نزول وحی به پایان رسید و مسلماً دیگر چیزی به قرآن نمی‌شود افزود.در اینجا است که نقش اجتهاد مطرح می‌گردد که باید براساس اصول کلی مذکور تمامی قواعد و راه‌حلهای جدید برای زندگی و تنظیم رفتار بشر به وسیله آن استنباط گردد. باید توجه داشت که هر قاعده و یا راه حلی که با اصول بنیادین ذکر شده مطابقت نداشته باشد ممکن نیست اسلامی تلقی گردد. سنت پیامبر(ص) دومین منبع حقوقی اسلامی است، رفتار و سلوک پیامبر در ایفای رسالت خود و گفتار و کردار و عکس العملهای وی نسبت به اعمال دیگران، منبع قواعدی است که در حقوق اسلامی قدرت قانونی دارد. این قواعد مکمل قواعد قرآنی است، از این جهت که در تأیید و تفسیر قواعد اخیر است و یا معین می‌سازد که آن قواعد چگونه باید اعمال گردند.

اما مسئله این است که قرآن و سنت در زندگی پیامبر عمیقاً ریشه دارند و بعد از او، این‌ها دیگر قادر به ایجاد قاعده نخواهند بود. از آنجاکه زندگی دائماً در تکامل و تحول است و اسلام ماهیتاً دارای کاربرد متداوم می‌باشد، منبع قانونگذار زنده دیگری لازم بود؛منبعی قادر به ایجاد قواعد جدید قابل تطبیق مستمر در زمان و مکان به کلیه مناسبات نوپدید جوامع پرتحرک و پویا، این سومین منبع نظام حقوقی اسلامی است. یعنی اجتهاد یا استنباط مستدل، که به صراحت در قرآن و سنت پیش‌بینی شده است.به وسیله اجتهاد می‌توان تمامی قواعد مورد لزوم در حیات متغیر جوامع در حال تحول و تکامل دائمی را با تکیه بر دلیل استنباط نمود. اما مجدداً باید تأکید کنیم که این استنباط تنها در محدوده پنج اصل بنیادی اسلامی می‌تواند صورت بگیرد. آنچه موجد نیرو و استحکام معنوی و دنیوی اسلام در سه قرن اول حیات آن می‌شد، همین منبع سوم بود.اما با کمال تأسف در زمان حکومت عباسیان حکام که خواستار قدرت مطلقه و بی حد و حصر بودند، مصلحت دیدند که اجتهاد را متوقف و راه را بر روش قیاسی ببندند. از آن زمان به بعد، اسلام و نظام حقوقی آن در جهانی پویا و پر تحرک، ایستا و ساکن مانده‌اند.پیامدهای تصمیم مزبور(اتخاذ شده در عصر عباسیان) به اسلام و رسالت آن در گسترش تمدن لطمه زده است. فقط در دهه‌های اخیر بوده که نسل جدید فقها و حقوقدانان اسلامی جهت برخورد با مشکلات جهان امروز دوباره به اجتهاد روی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

آورده‌اند.اما تلاشهای این عده همراه با بیم و تردید بوده است، زیرا دولتهای جدید با اختیار قانونگذاری که داشته‌اند، نقش ایشان را محدود کرده‌اند.

پس باید در این چارچوبی که خطوط کلی آن به اجمال ترسیم شد، به مفهوم اسلامی حقوق بین الملل بشر دوستانه نگریست.این مفهوم در مرتبه نخست مبتنی بر آن دسته آیات قرآن است(بویژه آیات ۱۹٤–۱۹۰ از سوره دوم و آیات ۱۰۵–۱۰۲ و ۱۱۰–۱۰۷ از سوره سوم) که به گفتار و کردار پیامبر در دوران عداوتها و دشمنیهای تحمیل شده بر ایشان مربوط می‌شود، و در نهایت مبتنی بر قواعد استنباط شده از اصول اساسی پنجگانه نظام حقوقی اسلامی است که مقوم فرمانهای صادره به سپاهیان اسلام بوده است.(محقق داماد، ۱۳۷۲: ۲۲۳)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

قواعد حقوق بشر دوستانه در اسلام

قواعد بشر دوستانه ایی که در اسلام مد نظر قرار گرفته، ابتدا مربوط به تفکیک افراد غیر نظامی از افراد نظامی است و پیرو آن حمایت از افراد خاص همچون زنان، کودکان و افراد سالخورده و سایر افراد خاص دیگر است که طی چند گفتار آتی به تفصیل آن خواهیم پرداخت.

تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان

اولی قاعده رعایت حقوق بشر دوستانه در اسلام تفکیک افراد غیر نظامی از نظامیان است چرا که این افراد هیچ دخالتی در جنگ نداشته و افراد بیگناهی به حساب می‌آیند که بخاطر سیاست دولتمردان دچار آسیب و گزند شده‌اند لذا رعایت حقوق این اشخاص بی شک وظیفه همه افراد درگیر جنگ است.

حقوق غیر نظامیان در جنگ از دیدگاه قرآن

قرآن بعنوان کلام خدا در خصوص حقوق غیر نظامیان دارای آیاتی است که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره آمده است که «در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تجاوز کنندگان را دوست نمی‌دارد.»

قرآن کریم در این آیه دستور مقاتله و مبارزه با کسانی که دست به اسلحه برده و با

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مسلمانان وارد جنگ شده‌اند را صادر کرده و به آن‌ها اجازه داده است که برای خاموش ساختن دشمنان دست به اسلحه ببرند و از هرگونه وسایل دفاعی استفاده کنند. در این آیه به سه نکته اساسی اشاره شده است که منطق اسلام را در مورد جنگ کاملاً روشن می‌سازد.

۱- با جمله «در راه خدا نبرد کنید» هدف اصلی جنگ‌های اسلامی را روشن می‌سازد که جنگ برای به دست آوردن غنایم و تصرف و اشغال سرزمین‌های دیگران همه از نظر اسلام محکوم است و تنها اسلحه به دست گرفتن و به جهاد پرداختن در صورتی صحیح است که در راه خدا و گسترش قوانین الهی یعنی حق و عدالت و توحید و ریشه‌کن کردن ظلم و ستم و فساد و انحراف می‌باشد.

۲- مورد اینکه با چه کسی باید جنگید جمله «کسانی که با شما می‌جنگند» صراحت دارد که تا طرف مقابل دست به اسلحه نبرده و به مبارزه نپرداخته است، مسلمانان نباید پیش‌دستی کنند. ضمناً از این آیه استفاده می‌شود که هرگز غیرنظامیان مخصوصاً زنان، کودکان و پیران زمین‌گیر نباید مورد حمله واقع شوند زیرا آن‌ها به مقابله برنخاسته‌اند و بنابراین مصونیت دارند.

۳- ابعاد جنگ نیز با جمله «از حد تجاوز نکنید» مشخص شده است. زیرا جنگ در اسلام به خاطر خداست و در راه خدا نباید هیچ تعدی و تجاوزی صورت گیرد و لذا اسلام- برخلاف جنگ‌های عصر ما- رعایت اصول اخلاقی فراوانی در جنگ توصیه‌ی کند. مثلاً افرادی را که سلاح بر زمین گذاشته‌اند و کسانی که توانایی جنگیدن را از دست داده و یا اصولاً قدرت بر جنگیدن ندارند- مانند پیرمردان، زنان و کودکان- نباید مورد تعدی قرار بگیرند.

باغستان‌ها و درختان را نباید از بین ببرند و از مواد سمی برای زهرآلود کردن آب‌های آشامیدنی دشمن نباید استفاده کنند.(مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۹) به غیر از آیه مورد بحث آیات دیگری از قرآن کریم بر موضوع ما نحن فیه دلالت دارند که از آن جمله آیه ۲۵ سوره مبارکه فتح است که می‌فرماید:«... اگر مردان مؤمن و زنان مؤمنه‌ای که شما اکنون آن‌ها را نمی‌شناسید (در مکه) وجود نداشتند که چنان چه حمله کنید آن‌ها را ندانسته پایمال و هلاک سازید، پس دیه و غرامت خون آن مؤمنان به گردن شما می‌ماند تا خدا هر که را بخواهد در رحمت خود داخل گرداند و اگر شما عناصر کفر و ایمان را از هم جدا می‌گشتید همانا آنان را که کافرند به

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

عذابی دردناک معذب می‌ساختیم» معنای آیه این است که مشرکان مکه همان‌هایی هستند که به خدا کفر ورزیدند و نگذاشتند شما داخل مسجدالحرام شوید و نگذاشتند قربانی‌هایی را که با خود آورده بودید به محل قربانی برسند... اگر مردان و زنان مؤمن ناشناسی در بین مردم مکه نبودند تا جنگ شما سبب هلاکت آن بی‌گناهان شود و در نتیجه به خاطر کشتن آن بی‌گناهان دچار گرفتاری می‌شدید، هر آینه ما دست شما را از قتال اهل مکه باز نمی‌داشتیم و اگر باز داشتیم برای همین بود که دست شما به خون آن مؤمنین ناشناس آلوده نشود و به جرمشان دچار ناملایمات نشوید.(طباطبایی، ۱۳٦۳: ۱٤٤) بر ناتوانان، بیماران و کسانی که چیزی ندارند تا در راه جنگ هزینه کنند(معاف شدگان از جنگ) هیچ تنگنایی نیست چه مجازند که در میدان نبرد شرکت نکنند، به شرط آنکه برای خدا و پیامبرانش صمیمانه رفتار کرده باشند بر سر نکوکاران راه و زبان نکوهش و بازخواست بر بسته است و خدا آمرزگار و مهربان است. (سوره توبه، ۹۱) بخشی از آیات قرآنی به بیان سرگذشت‌های نظامی پیامبر اکرم(ص) پرداخته است. البته در شأن قرآن نیست که تنها به وقایع نگاری و داستان سرایی بپردازد. قرآن همیشه می‌خواسته است که مردم از آنچه در پیش فرا رفته عبرت بیاوزند و نقاط روشن و تاریک یا محورهای کامیابی و شکست را همیشه در نظر داشته و عمل نمایند. در صحنه مبارزات مسلحانه علیه کفر تجاوزگر و ستیزه جوی، رویدادهای جالب و نکته آموزی در صدر اسلام رخ داده که بخشی از آیات قرآن به بیانشان پرداخته است.(خلیلیان، ۱۳۸۲: ۳۱۰)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نتیجه‌گیری

حقوق بشر دوستانه ریشه در تاریخ جوامع بشری دارد و بر گرفته از پدیده‌ای تلخ و شومی بنام مخاصمات مسلحانه است. بدلیل آنکه، وقوع چنین مخاصماتی اجتناب‌ناپذیر بوده و حیات بشری و کرامت انسانی بشدت تهدید می‌شود لذا در این راستا توجه بیشتر به قواعد مقررات بشر دوستانه و رعایت دقیق آنها در مخاصمات مسلحانه امری ضروری و حیاتی است. اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که دین مبین اسلام در خصوص حقوق بشر دوستانه دارای احکام و قواعد گسترده‌ای بوده که چهارده قرن گذشته تدوین شده و رعایت حقوق انسانی را ملاک قرار داده که مصادیق آنرا تا حدود زیادی می‌توان در معاهدات و کنوانسیون‌های امروزی مشاهده کرد. آنچه نگارنده در این تحقیق به آن رسیده است شامل این موارد می‌باشد:

۱- رعایت حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی، از دیدگاه اسلام، به عنوان یک وظیفه و تکلیف دینی و شرعی بوده و هر گونه تخطّی از آن، هم کیفر دنیوی و هم عقوبت اخروی دارد. اسلام بر این نکته تأکید فراوان دارد که هدف از تمام این تکالیف، وظایف و ...، حفظ کرامت انسانی و ارتقا ارزش‌های والای آن است. دیدیم که در اکثر موارد، نظر اسلام پیرامون جنبه‌های حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی فراتر از سطح معاهدات بین‌المللی بود. در واقع، قوانین و مقررات اسلامی با این که حدود هزار و چهارصد سال پیش وضع گردیده‌اند، اما به مراتب از معاهدات و قوانینی که امروز در جهان مورد اجرا قرار می‌گیرد، پیشرفته‌تر، بهتر، عینی‌تر و کاربردی‌تر است و در عین حال، انطباق بیشتری با کرامت انسانی و عزّت نفس بشری دارد .

۲- بطور کلی قواعد حقوق بشر دوستانه اسلام جنبه فراگیر دارد یعنی هم شامل مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌شود و هم شامل مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از طرفی اسلام بین افراد نظامی و غیر نظامی، در منازعات مسلحانه با هر ماهیت و شکلی تفکیک قائل شده و برای آنان مصونیت در نظر گرفته و درگیری را تنها بین نیروهای مسلح مجاز دانسته، وآنرا یک قاعده بنیادین و لازم‌الاجرا می‌داند.

۳- قواعد بشر دوستانه اسلامی حمایت‌های ویژه‌ای را برای بعضی از طبقات غیر نظامی مانند اطفال، زنان، پیران، افراد مریض و راهبان مقرر می‌دارد. تمامی دستورات پیامبر خدا(ص) و خلفا صراحتاً اعلام می‌دارند که خصومت نباید بر علیه چنین افرادی صورت گیرد. بدیهی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

است که مصداق ماده ۵۱ اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و همچنین مواد ۴۷۱ و ۷۷ و ۷۸ همین گونه افرادند.

٤- یکی دیگر از قواعد بشر دوستانه اسلامی حمایت از اموال غیر نظامیان می‌باشد و به نوعی برای احوالات شخصیه افراد ارزش قائل شده است. این قوانین امروزه در فصول ۳ و قسمت چهارم اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو تجلی یافته است. معذلک شروط، معیارها و جزئیات احصاء شده در مواد ٦٩-٥٢ و ٦٥-٦٠ اولین پروتکل الحاقی به طور مسلم منطبق با روح مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه و بنابراین جزء لاینفک آن می‌باشند.

۵-در خصوص رعایت حقوق اسیران جنگی نیز اسلام پیشگام است. نخستین امتیاز اسلام در مورد حقوق اسیران، سبقت تاریخی احکام آن است؛ یعنی اسلام در زمانی احکامی را در خصوص اسیران جنگی الزام‌آور اعلام کرد که در نقاط دیگر جهان قانون مدونی در این زمینه وجود نداشت. اسلام، با فدیه گرفتن از اسرا سبب حفظ جان اسیران می‌شد و از این طریق هزینه‌ی مالی آنان که در اسارت بودند را تأمین می‌نمود. هرچند کنوانسیون ژنو، فدیه دادن را حذف نمود و به ظاهر گامی مثبت در جهت منافع اسیران برداشت؛ اما واقعیت این است که اقدام مذکور به طور کلّی نه تنها به نفع اسیران جنگی نیست، که جان آنان را بیشتر در معرض تهدید قرار می‌دهد. آنچه را که کنوانسیون‌های چهار گانه ی ژنو (مصوب دوازدهم آگوست ۱۹۴۹ م.) در زمینه‌ی حمایت اسیران بیان کرده، اسلام حدود دوازده قرن زودتر از این، مورد توجه قرار داده است . سیرهی پیامبر اعظم(ص) و جانشینان برحقّ ایشان تجلّی گاه رعایت این اندیشه است.

در مجموع باید اذعان داشت با مقایسه بین حقوق بشر دوستانه در اسلام و مقررات امروزی، بر محقق مشخص گردید که حقوق اسلامی هم به لحاظ تاریخی و هم به جهت داشتن احکام بشر دوستانه بسیار غنی‌تر از حقوق بشر دوستانه امروزی است. نهایت اینکه نگارنده براین اعتقاد است که رعایت حقوق بشر دوستانه فی‌نفسه از واجبات جامعه جهانی بوده و هر چند طی سالیان متمادی تلاش‌های بسیاری، جهت تدوین این مقررات توسط سازمان‌های بین‌المللی و ارگان‌های مربوطه صورت پذیرفته است، لیکن نیاز به وضع قواعد جامع‌تر و از طرفی همکاری بیشتر دولت‌ها ضرورت دارد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منابع

ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۹٤). «رویکرد شورای امنیت در مواجهه با بحران کشور اسلامی سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱٦)»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ٤، زمستان.

بی نام (۱۳۸۳). *رعایت حقوق بشر دوستانه بین المللی*، ترجمه دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، تهران: نشر سِر سِم.

خلیلیان، سید خلیل (۱۳۸۲). *حقوق بین الملل اسلامی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم.

قربان نیا، ناصر (۱۳۸۵). «نسبت میان حقوق بشر و حقوق دوستانه»، *رسالهٔ دکترا*، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

قربان نیا، ناصر (۱۳۸۷). *حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی، چاپ اول.

کریمی، احمد (۱۳۷۵). «حقوق بشر و مداخله بشردوستانه»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، تهران، دانشکده روابط بین الملل.

کشاورز شکری، عباس؛ صادقیان، هاجر (۱۳۹۲). «کالبد شکافی سیاست خارجی و مواضع بازیگران معارض غربی در جنگ ۳۳ روزه لبنان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره ۱، بهار.

طباطبایی، علامه سید محمد حسین (۱۳٦۳). *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی، جلد سی و ششم.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۲). «مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دانشگاه تهران، شماره ۲۹.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۷٤ الف). «مبانی و توسعه مترقیانه حقوق بین الملل بشر دوستانه»، *پایان نامه دوره کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید بهشتی.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۷٤ ب). «تدوین حقوق بشر دوستانه و مفهوم اسلامی آن»، *مجله تحقیقات حقوقی* دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳٦۷). *تفسیر نمونه*، جلد دوم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

مولایی، یوسف (۱۳۸۲). «استقلال، دموکراسی و حقوق بشر»، *نشریه نامه سفید*، شماره ۲۸، دی ماه.

وصفی، محمدرضا؛ محمدیان، سجاد و بامیر، موسی (۱۳۹۳). «تحلیل ساختار فکری و متن‌کاوی بروندادهای علمی حوزهٔ علوم سیاسی، با موضوع اسلام»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۱، بهار.

مهرپور، حسین (۱۳۷۷). *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، تهران: انتشارات اطلاعات.

Conde, H. Victor , A Handbook of International Human Rights Terminology, Santa Barbara CA: ABC – Clio, 2002, Second Edition., P. 67

International Court of justice, Legality of the Threat or use of Nuclear Weapons, Advisory opinion of 8 July 1996, Para. 78

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۴

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۵)، «جایگاه حقوق بشر دوستانه در اسلام و اسناد بین المللی» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س٦، ش۲، تابستان ۹۵، صص ۱۰۳-۸۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]